

کافه نظر

خود عذرخواهی کرد و قول داد که این رفتار در آینده تکرار نشود. حال سؤال اینجاست که مردم چقدر چنین عذرخواهی‌ها را در ساخت سیاسی کشور می‌پذیرند و به آن باور دارند و سؤال دیگر اینکه دولت چه باید بکند تا درباره عذرخواهی‌اش، به مردم اطمینان خاطر بدهد:

عشق مسئولیت دارد

بیژن بیرنگ ◀ کارگردان

دولتی که خود را عاشق مردمش می‌داند، در برابر آنها مسئول است؛ چراکه اگر مسئولیتی در کار نباشد، عشق بی‌معنا می‌شود. عذرخواهی دولت از مردم، به خاطر حقوق چند کارمند، شروع خوبی است برای امیدادن به مردم، چراکه فکر می‌کنم با دیدن چنین مسائلی، مردم به این باور می‌رسند که دولت به فکر آنهاست و برای رفع شبهات و مشکلات قدم برمی‌دارد و حتی اگر لازم باشد، از بدنه خود نقد می‌کند. بر همین اساس فکر می‌کنم مسائل مهمی برای عذرخواهی وجود دارند که حتی بسیار مهم‌تر از عذرخواهی دولت به خاطر گناه نکرده است. کسانی که می‌توانند عذرخواهی کنند، آدم‌های کوچکی نیستند؛ چراکه افرادی کوچک‌اند که روی اشتباهات‌شان پافشاری می‌کنند. به نظر می‌رسد که مسئله حقوق برخی از افراد فعال در بیمه کشور، بیش از حد بزرگ شده، حال آنکه دولت‌ها- و نه فقط دولت فعلی- باید به خاطر اشتباهات‌شان در تصمیم‌گیری از مردم عذرخواهی کنند.

ابراز نگرانی از گذشته

بایزید مردوخ ◀ اقتصاددان

آنچه به‌عنوان عذرخواهی دولت از آن یاد می‌شود، نشان از ظرفیت نقدپذیری یا دست‌کم امید به ایجاد چنین ظرفیتی دارد. همان‌طور که می‌دانیم، عذرخواهی جزء رفتارهای مرسوم دولت‌ها به ویژه در سطوح بالا نیست و این نشان از آن دارد که متن عذرخواهی بیشتر از هر چیز، نوعی ابراز نگرانی نسبت به گذشته است. اتفاقی که در شرکت بیمه به خاطر دست‌مزده افتاده، همان‌طور که دکتر طیب‌نیا، وزیر اقتصاد، به آن اشاره کرده‌اند، جمع مطالبات این افراد بوده که به فیش حقوقی پایان سال ختم شده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد که مسئله به‌وجودآمده به اندازه توجه رسانه‌ها، مسئله بزرگی نیست و می‌شد به‌راحتی از کنار آن رد شد، به ویژه وقتی که دامنه مشکلات فراوان است. چنین اتفاقی، نه به قوام دولت خدش‌های وارد کرده و نه نگاه مردم به دولت را با چالش همراه می‌کرد؛ باین‌همه این عذرخواهی نشان داد که دولت هم نگران گذشته‌ای است که گاه چنین پیام‌هایی را تولید می‌کند.

شادی هسته‌ای؛ چرا و چگونه؟

شرق: عذرخواهی معاون‌اول رئیس‌جمهور به دلیل پرونده حقوق مسئولان بیمه، به‌طور رسمی اعلام شد. دولت به‌ خاطر «قوانینی که در دولت‌های قبل نسبت به حقوق مسئولان تصویب شده»، از مردم و همکاران دولتی

به‌سختی باور می‌کنند

احمد پوری ◀ مترجم

اگر فردی صادقانه به اشتباه خود معترف شود و شجاعانه آن را به دیگران اعلام کند و قویا سعی کند که دیگر چنین اشتباهی را مرتکب نشود، از دید من و احتمالا از دید بسیاری از افراد جامعه، شخصیت ممتازی خواهد داشت. وقتی که من به اشتباه خودم درباره خانواده، دوستان و یا همکارانم پی ببرم و آن را با صدای بلند اعلام کنم، این احتمال هست که از سوی آنها بخشوده شوم؛ به این شرط که مصرا نه خود را از تکرار آن دور نگه دارم؛ اما وقتی که مسئله عذرخواهی در حوزه سیاست اتفاق می‌افتد، یک چالش مهم دیگر هم وجود دارد و آن این است که معمولا توده جامعه، عذرخواهی سیاست‌مداران را نمی‌پذیرد یا به‌سختی آن را قبول می‌کند. ای‌کاش فرهنگ عذرخواهی را آن‌قدر در جامعه تسری بدهیم که در این بزنگاه‌های سیاسی، پذیرش و بخشش از سوی همه ما آسان‌تر باشد.

همین حوالی

نژادپرستی از نوع زارچ

هلیا آبادی

● عکسی که این روزها از چند پلاکارד نصب‌شده منتشر شده، به تأیید شاهدان و حاضران در این شهرها رسیده است. اینکه یک روستا درصدد است هرگونه بیگانه‌ای را از خود براند یا شهر زارچ دوست دارد بدون هیچ غیرایرانی‌ای به سر ببرد، عجیب به نظر می‌رسد. جوانان غیور درصدد هستند تا یک بار برای همیشه برای افزایش امنیت زمین و جایی که زندگی می‌کنند، از حضور این افراد پاک کنند. البته آنها فرصت دوهفته‌ای را به ساکنان غیرایرانی دادند تا از محل سکونتشان بروند، اینکه عده‌ای از جوانان ایرانی آن‌قدر با حس برتری نسبت به دیگر انسان‌ها رفتار می‌کنند، اینکه به‌سادگی همه



قوانین اسلام را درباره برتری انسان‌ها با یکدیگر نادیده می‌گیریم. همه نشانه‌ان این است که یک جایی کم گذاشته‌ایم. یک جایی نتوانستیم راه را درست برویم. چند سال پیش وقتی در سیزده به‌در صفه اصفهان شهردار اجازه ورود به افغان‌ها را نداده بود، تعدادی از اهالی سینما همچون مانی حقیقی و نیکی کرمی، قدم پیش گذاشتند و به اعتراض پرداختند. البته احتیاج نبود تا به آن شهر بروند، چراکه مسئولان شهری عذرخواهی کردند و تابلوها را برداشتند؛ تابلوهایی که حضور افغان‌ها را ممنوع می‌کرد. البته قبل‌تر ماجرای افغان‌هایی مطرح بود که نتوانسته بودند در جایی دیگر زندگی کنند و از سوی مردم محل با اعتراض و حتی درگیری بیرون رانده شده بودند. همان روزها اصغر فرهادی که برنده جایزه اسکار شده بود در یک فرصت کوتاه یکی، دوروزه به تهران آمد و در یک مدرسه افغان‌ها با آنها دیدار کرد و برایشان کارگاه گذاشت. به نظر می‌رسد این روزها نیاز به چنین همدلی‌هایی هست، اما با خوشبینی می‌توان امیدوار بود که مسئولان بتوانند آن چنان مشکلات را حل کنند که نیازی نباشد هنرمندان و چهره‌ها با پیش بگذارند و شاید هرچه زودتر این تابلوها برداشته شود.



شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۹۵ • ۸ رمضان ۱۴۳۷ • ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۰۷ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۲۰:۴۳ • اذان صبح فردا ۴:۰۱ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه‌فرا



ماجرای عشق و عاشقی میدون

ماتوی چه چیزی شبیه هستیم؟

● **بورسا عالمی**: سوقیای من، آیا می‌دانی جریان عشق و عاشقی من و تو شبیه چیست؟ آفرین. شبیه ماجرای حمله به علی مطهری در شیراز و آیا می‌دانی ماجرای حمله‌کنندگان به علی مطهری در شیراز شبیه چیست؟ آفرین. شبیه ماجرای زمین‌خواران و جنگل‌خواران است و آیا می‌دانی ماجرای زمین‌خواران و جنگل‌خواران شبیه چیست؟ آفرین. شبیه ماجرای بابک زنجانی شبیه چیست؟ آفرین. شبیه ماجرای سعید مرتضوی است؛ و آیا می‌دانی ماجرای سعید مرتضوی شبیه چیست؟ آفرین. شبیه ماجرای سازمان تأمین اجتماعی است و آیا می‌دانی ماجرای سازمان تأمین اجتماعی شبیه چیست؟ آفرین. شبیه ماجرای کهریزک است و آیا می‌دانی ماجرای کهریزک شبیه چیست؟ آفرین. شبیه ماجرای محمودرضا خاوری، رئیس بانک ملی، است که الان بغل سلین دیون است و همسایه‌شان شده و آیا می‌دانی ماجرای خاوری که بغل سلین دیون است شبیه چیست؟ آفرین. شبیه ماجرای ورود داروهای آلوده به کشور است و آیا می‌دانی ماجرای داروهای آلوده شبیه چیست؟ آفرین. شبیه ماجرای بامزه و گران کم‌شدن دکل‌های نفتی کشور است و آیا می‌دانی کم‌شدن دکل نفتی شبیه چیست؟ آفرین. شبیه ماجرای اسیدپاش‌های اصفهان است و آیا می‌دانی همه اینها توی چی شبیه هستند؟ آفرین. هیچ‌کدام پایان ندارند. پس ای سوفیا اگر اینها به آخر رسید، به بابات بگو مسئله کار من هم حل می‌شود و من می‌آیم تو را می‌گیرم. قربان توه! کش‌دارترین میدون دنیا.

نکنه

یادم نمی‌آید

- تایم: اگر این روزها نگران آلزایمر هستی این راه‌ها را امتحان کنی؛د؛ چرا که این راه‌ها با مطالعه و آزمایش، از سوی دانشمندان تأییدشده‌اند:
۱- به موسیقی‌های کلاسیک گوش دهید.
۲- زبان جدید یاد بگیرید.
۳- فیلم‌های خنده‌دار ببینیید.
۴- در هوای تازه نفس عمیق بکشیید.
۵- ورزش سبک کنیید.
۶- تلویزیون را خاموش کنیید.
۷- هرچه خواب راحت‌تری داشته باشیید، حافظه‌تان فعال‌تر می‌شود.

مهربانی بی‌پایان است اما...

برای شرکت در جشنواره بزرگ حساب‌های قرض الحسنه پس انداز بانک ملت

با ۵۰۰۰۰ جایزه ویژه

تنها ۷ روز فرصت باقیست



۱۵۵۶ کیلومتر اسکناس ۵۰ هزارریالی معادل ۵۱۵/۵۱۵/۴۷۱ ریال برای ۱/۰۰۰ نفر به تساوی

۱۰۰۰ کمک هزینه خرید صنایع دستی هر یک به ارزش ۳۰ میلیون ریال

۵۰۰/۰۰۰ جایزه نقدی هر یک به ارزش ۷۰۰ هزار ریال

● آغاز دوره قرعه‌کشی و محاسبه امتیاز از ۱/ ۱/ ۱۳۹۴

● مهلت افتتاح حساب یا افزایش موجودی تا ۳/ ۳/ ۱۳۹۵

● هر ۵۰۰ هزار ریال در هر روز یک امتیاز

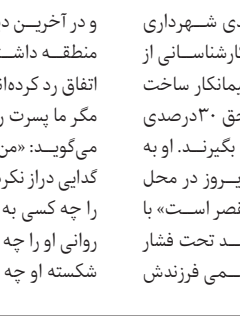


روایت

آقای قالیباف پل روشندان را فراموش نکنید

پس از حادثه قرار گرفته، از مردم و مسئولان درخواست کمک می‌کند: «به آنها گفتمم که پسرم مقصر نبوده بلکه قربانی عدم احساس مسئولیت مسئولان شهرداری شده؛ چراکه این پل، پیش از پسرم یک مجروح دیگر هم داشته به اسم ایمان عباس‌زاده و اگر آنها برایشان مهم بود، باید پل را ایمن‌سازی می‌کردند». این مادر می‌گوید در بیش از هشت ماه خانه‌نشینی فرزندش، هیچ‌یک از مقاصات شهرداری برای ملاقات او نرفته‌اند

و در آخرین دیداری که او با مسئولان شهرداری منطقه داشته، هرگونه تقصیر شهرداری را در این اتفاق رد کرده‌اند و گفته‌اند: «به ما چه مربوط است، مگر ما پسر را انداخته‌ایم؟» او گریه‌کنان به «شرق» می‌گوید: «من گدا نیستم و هیچ‌جا دستم را برای گدایی دراز نکرده‌ام اما صفا و ریه سوراخ‌شده فرزندم را چه کسی به من پس خواهد داد؟ آزردگی روحی و روانی او را چه کسی درمان خواهد کرد؟ درباره لکن شکسته او چه کسی پاسخ‌گو خواهد بود؟»



سعید برآبادی، مادر عرفان رنجیری، با پلاکاری که رویش نوشته «نوشدارو بعد از مرگ سهراب! آقای قالیباف به داد من برسید» صبح دیروز روی پل روشندان ایستاد تا به مردمی که از آن مسیر عبور می‌کنند هشدار دهد. مراقب باشند اتفاقی که برای پسرش افتاده، برای آنها تکرار نشود. ۱۶ آبان‌ماه سال گذشته، عرفان ۱۸ساله که قهرمان کشوری در رشته بدن‌سازی بود، از پل روشندان به پایین سقوط کرد و با

اینکه دادگاه رأی را به تقصیر ۳۰درصدی شهرداری در این پرونده صادر کرده بود، دیروز کارشناسانی از دادگستری، وکیل حقوقی شهرداری، پیامکار ساخت و پل و... روی پل آمده بودند تا این حق ۳۰درصدی را هم از مادر داغ‌دیده عرفان پس بگیرند. او به «شرق» می‌گوید کارشناسانی که دیروز در محل حاضر بوده‌اند، گفته‌اند: «فرزندش مقصر است» با این همه مادر عرفان که به نظر می‌رسد تحت فشار روانی شدیدی به خاطر ضایعات جسمی فرزندش